پژوهشنامه خراسان بزرگ

شماره ۳۳ زمستان ۱۳۹۷

No.33 Winter 2019

۸۰-۶۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۰۸

پیامدهای سیاسی جدایی هرات بر منطقه خراسان در عصر قاجار

رحیم جوان لاجی : کارشناس ارشد تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه فردوسی مشهد

عباس سرافرازی : دانشیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد (ab.sarafrazi@ferdowsi.um.ac.ir)

هادی وکیلی: دانشیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد (vakili@um.ac.ir)

چکیده

ازجمله موضوعات حائز اهمیت در تاریخ معاصر ایران، تأثیر جدایی هرات به‌واسطه قرارداد صلح پاریس (۱۲۷۳ق/ ۱۸۵۷م) بر اوضاع سیاسی منطقه خراسان طی چند دهه بعد از آن محسوب می‌گردد. بر این اساس پژوهش حاضر تلاش دارد تا با استفاده از روش پژوهش‌های تاریخی و بر اساس اسناد و مدارک و شواهد تاریخی، به این پرسش پاسخ دهد که جدایی هرات از نگاه سیاسی چه اثراتی بر منطقه خراسان داشته است؟ یافته‌های پژوهش باوجود کمبود منابع در این زمینه و مبتنی بر نگاه جزئی‌نگر و با رویکردی توصیفی-تحلیلی، حاکی از آن است که مهم‌ترین تأثیر، تاخت و تاز ترکمن‌ها به خراسان و ایجاد ناامنی در آن منطقه بود که در پی آن قسمت‌های مختلف خراسان مبدل به عرصه غارت ترکمانان شد و امنیت و آرامش آن سلب گردید. همچنین نقش جدایی هرات بر مرزبندی جنوب خراسان و تأثیر انعقاد معاهده صلح پاریس بر انعقاد معاهده آخال به‌عنوان دیگر پیامدهای سیاسی جدایی هرات بر منطقه خراسان محسوب می‌گردد که در این پژوهش مورد واکاوی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: خراسان، هرات، دوره قاجار، صلح پاریس، مرزبندی

Abstract

One of the outstanding issues in Contemporary History of Iran, is the effect of Hirat separation (from Khorasan Province) based on Paris Peace Treaty (1273Lunar /1858A.D) on the political situations of Khorasan district through decades afterwards. So, this study tries to answer the following question″ " What effects had this separation had on Khorasan district from the political viewpoints". To anwere this question, historical methodology through historical documents and evidence is employed . Despite the lack of resources in this regard and just based on specific details and analytical _descriptive approach, the findings of the study suggest that the most important consequence is the invasion of Torkman tribes to Khorasan, causing insecurity in this district which led to looting of different parts of Khorasan by Torkman tribes and endangered and security of the region . In addition, the effect of Hirat separation on the bordering of the South of Khorasan and the effect of Paris Peace Treaty on Akhal agreement is regarded as the other political consequence which is studied in this research.

Keywords: Khorasan, Hirat, Qajar era, Paris Peace Pact, boederment

*نویسنده مسئول مکاتبات: رحیم جوان لاجی (09158329801) (rahimjavan66@gmail.com)

مقدمه

بر اساس منابع تاریخی، هرات در بستر تاریخ ایران، همواره از جهات گوناگون اقتصادی، فرهنگی، نظامی و سیاسی از نقاط دارای اهمیت محسوب می‌گردید، به‌گونه‌ای که جدال و کشمکش پیاپی میان ایران و ازبکان برای تصاحب آن در دوره صفویه به این امر اشاره دارد. اگرچه در دوره حکومت نادرشاه افشار و به خاطر پیروزی‌هایی که او در لشکرکشی‌های خود به هرات به دست آورده بود، این منطقه در اختیار ایران قرار گرفت، اما به دلیل فقدان ثبات سیاسی که در عصر جانشینان او پدیدار گشته بود، این افغان‌ها بودند که توانستند بر هرات مسلط شوند. در دوران حاکمیت قاجاریه باوجودآنکه هرات همچنان جزو جدایی‌ناپذیر سرزمین ایران محسوب می‌گردید، اما به علت سرکشی حکمرانان هرات و عدم اطاعت از حکومت مرکزی و به دنبال آن پرداخت نکردن خراج سالیانه، از سوی فتحعلی شاه و جانشین او، محمدشاه، تلاش‌هایی ناموفق برای انقیاد هرات صورت گرفت که با دخالت‌های دولت‌های استعماری ازجمله انگلیس بی‌نتیجه ماند. عطف به این موضوع، دولت انگلیس که از آغاز حکومت قاجار و در راستای رقابت گسترده با فرانسه و روسیه و به‌منظور ایجاد حریم امن برای کشور هندوستان که به‌عنوان مستعمره آن، هرات را در کانون توجه قرار داده بود (سند شماره ۱)، به تحقق نقشه‌هایی پرداخت که از قبل برنامه‌ریزی کرده بود. بنابراین ازآنجایی‌که هرات در این زمان به دلیل موقعیت استراتژیک خود، دروازه ورود به هندوستان محسوب می‌شد، سیاستمداران انگلیسی به تلاش پرداخته و سیاست‌های خود را در جهت تحریک افغان‌ها علیه حکومت مرکزی ایران در پیش گرفتند و کوشش‌های فتحعلی‌شاه و محمدشاه برای تکریم و اطاعت‌پذیری حاکمان هرات از حکومت مرکزی ایران مفید فایده قرار نگرفت. در دوره فرمانروایی ناصرالدین‌شاه هم باوجود توفیقی که شاهزاده سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه حاکم خراسان در لشکرکشی به هرات به دست آورد (سپهر، ۱۳۷۷: ۳/۱۳۴۹-۵۰؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۳؛ ریاضی-هروی، ۱۳۶۹: ۶۳-۶۲)، اما به دلیل فشارهای سیاسی انگلستان و فراتر از آن تجاوز نظامی انگلیس به جنوب ایران و اشغال قسمت‌هایی از خاک ایران به دست نیروهایی انگلیسی (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۱۱۸؛ سایکس، ۱۳۶۳: ۵۰۳/۲)، دولت ایران به‌واسطه عهدنامه صلح پاریس که در شعبان ۱۲۷۳ق/ مارس ۱۸۵۷م و به وساطت ناپلئون سوم امپراتور فرانسه منعقد گردید، وادار به پذیرش خواسته‌های انگلستان مبنی بر ترک هرات و صرف‌نظر از هرگونه ادعایی نسبت به آن ایالت شد (سرابی، ۱۳۶۱: ۲۲۱-۲۲۰). این عهدنامه زمینه را برای تسلط نهایی انگلیس بر هرات فراهم آورد، چنانکه دو دهه بعد از آن با انعقاد معاهده صلح گندمک، افغانستان را که هرات نیز دیگر بخشی از آن محسوب می‌گردید به‌صورت تحت‌الحمایه خود درآورد (Kuhzad, 1957: 90-93؛ Tate, 1911: 158-160؛ Gustafson, 2013: 536-539). نکته قابل‌تأمل اینکه ایران در حساس‌ترین لحظه گرفتاری انگلیسی‌ها در هند، تن به قرارداد پاریس داد، چراکه به باور اعتمادالسلطنه در کتاب خلسه «اگر شتاب نکرده بودند و فتنه و بلوای هند بروز کرده بود، انگلیسی‌ها مضطرب و مستأصل می‌شدند و کار به‌دلخواه می‌گذشت، هرات را مسترد نمی‌کردیم و بنادر خود را مسترد می‌کردیم [...]» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۸۹). از سویی دیگر اهمیت هرات و افغانستان در دوره قاجار سبب گردید تا اسباب بهانه‌جویی و مداخله انگلیس از هر جهت در مناطق مرزی خراسان از قبیل خواف فراهم گردد و برای مناطق مذکور تبعات جبران‌ناپذیری به همراه داشت. به‌عنوان نمونه سکونت هندی‌های تبعه انگلیس در منطقه خواف (سند شماره ۲) و نقش مهم انگلیسی‌ها در ترسیم مرزها باعث تقسیم و تفرقه مردمانی شد که ازلحاظ قومی و ریشه-های مشترک تاریخی همسانی بسیار داشتند (بلند اختر، ۱۳۹۲: ۳).

اداره انتشار اسناد

سند شماره ۱، (نصیری‌مقدم، ۱۳۷۴)

سند شماره ۲، (وزارت امور خارجه: کارتن ۱۹، پوشه ۷، ۱۳۰۴: ۲۱)

پیشینه پژوهش

هرچند در منابع تاریخی و در گزارش‌های پژوهشگران و مورخان در خصوص منطقه هرات و خراسان، مطالب زیادی گفته‌شده، اما در هیچ‌یک از منابع و تحقیقات تاریخی به موضوع پژوهش حاضر که تأثیر سیاسی جدایی هرات بر خراسان است پرداخته نشده است. بااین‌حال در دهه‌های اخیر پژوهشگرانی در کتاب‌های تحقیقاتی خود همچون محمود در کتاب *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی*، هوشنگ مهدوی در *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوره صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم*، مدنی در *تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران*، متولی حقیقی در *افغانستان و ایران: پژوهشی پیرامون روابط سیاسی و چالش‌های مرزی از احمدشاه درانی تا احمدشاه قاجار*، میراحمدی در *پژوهشی در تاریخ معاصر ایران: برخورد شرق و غرب در ایران* و محققانی در مقالات علمی خود همچون مجتهدزاده در *نقش انگلستان در چگونگی شکل‌گیری مرزهای ایران و افغانستان*، دهقان‌نژاد و جلالیان در *انگلستان و معاهده استعماری پاریس* اشاراتی مختصر به موضوع این پژوهش داشته‌اند و صرفاً به توصیف منازعات سیاسی حاکمان قاجار با هرات و اهتمام دولتمردان انگلیسی برای جدایی هرات اشاره داشته‌اند. تنها پژوهشی که به‌طورکلی با موضوع مورد بررسی در ارتباط است پایان‌نامه کارشناسی ارشد حمیدرضا رمضانی (خراسان در جنگ جهانی دوم) محسوب می‌گردد. در میان پژوهش‌های غیرفارسی Gammell در *the Pearl of Khorasan: a History of Herat* و Henty در *To Herat and Cabul: a story of the first Afghan War* و همچنین Volodarsky در مقاله‌ای با عنوان *Persia's foreign policy between the two Herat crises* اشاراتی به موضوع موردنظر داشته‌اند، اما درواقع این پژوهشگران تا حد فراوانی مشابه محققان ایرانی به بیان تاریخچه‌ای مختصر و اشاره به تنش‌های میان ایران و هرات در دورهٔ قاجار و نقش انگلیس به‌عنوان دولتی ثالث و متنفذ در راستای اهداف استعماری در هرات پرداخته‌اند و درنتیجه اشاره‌ای به پیامدهای سیاسی جدایی هرات بر منطقه خراسان نداشته‌اند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر باوجود محدودیت منابع، با اتکاء بر روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای درصدد پاسخ به این پرسش است که جدایی هرات از منظر سیاسی چه اثراتی بر منطقه خراسان گذاشته است؟ از این‌رو در ابتدا، پیشینه سیاسی هرات مدنظر قرار گرفته و سپس در ادامه به مهم‌ترین پیامدهای سیاسی جدایی هرات از قبیل تاخت و تاز ترکمن‌ها به خراسان و ایجاد ناامنی در آن منطقه که در فرهنگ شفاهی مردم خراسان به عصر ترکمن‌تازی نامیده می‌شود، نقش جدایی هرات بر مرزبندی جنوب خراسان و تأثیر انعقاد معاهده صلح پاریس بر انعقاد معاهده آخال پرداخته می‌شود.

پیشینه سیاسی هرات

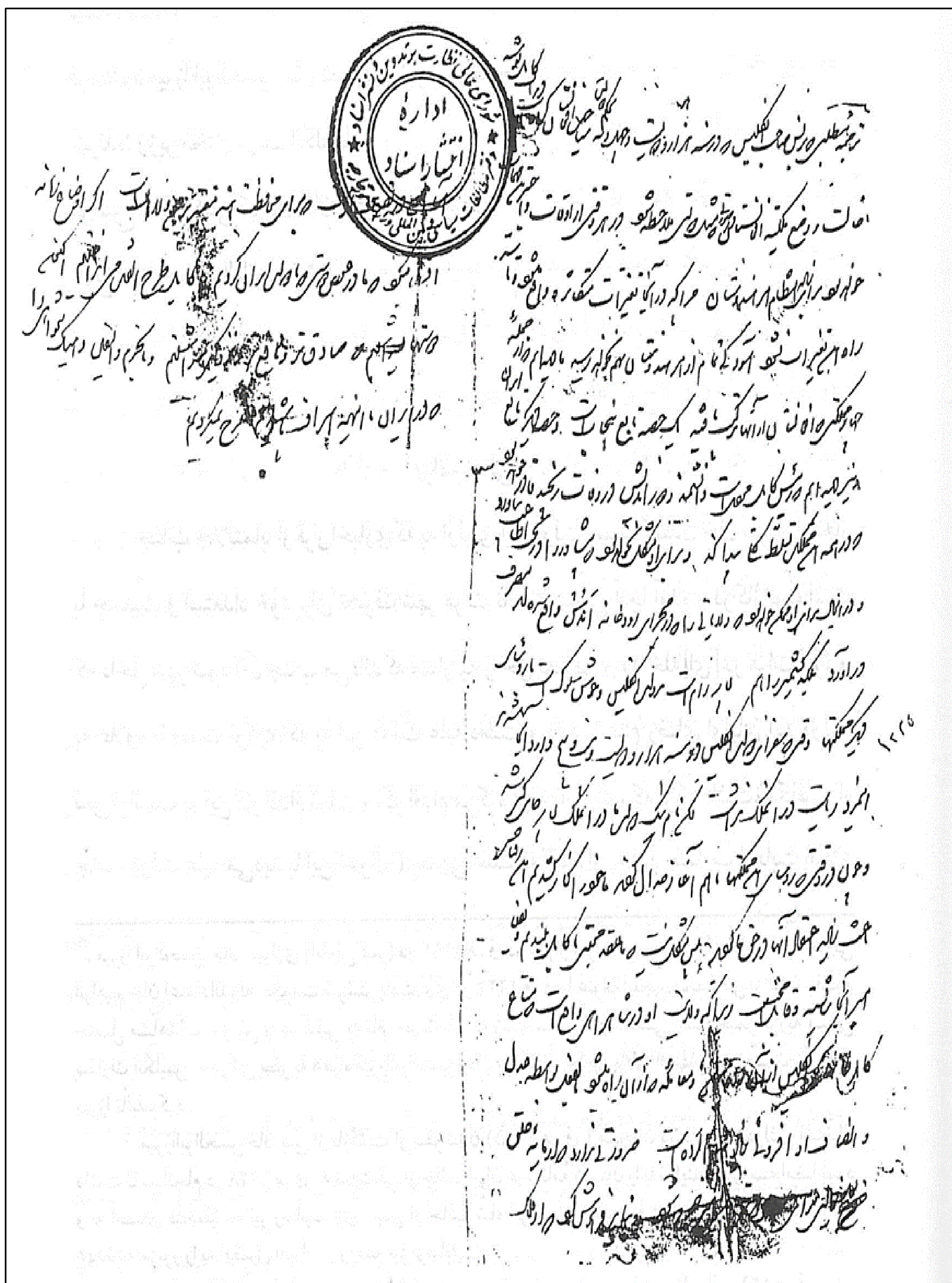
منطقه هرات از قدیم تا عصر حاضر، به جهت موقعیت ممتاز خود همواره حائز اهمیت فراوانی بوده و به نظر می‌رسد یکی از دلایلی که این شهر را در عصرهای مختلف از اعتبار و جایگاه والایی بهره‌مند کرده است، همین ویژگی‌ها و موقعیت جغرافیایی ویژه آن بوده است. وامبری از وابستگان سیاسی انگلیس در خصوص موقعیت جغرافیایی ممتاز و اهمیت سیاسی هرات می‌نویسد: «[...] بدبختانه این مزایای طبیعی و اهمیت سیاسی آن [هرات] باعث شد که بین همسایگان مایه نفاق قرار گیرد و همیشه بر سر آن نزاع باشد [...]» (وامبری، ۱۳۷۴: ۳۴۸). موقعیت جغرافیایی و اهمیت سیاسی شهر سبب شد تا ملوک کُرت برای نخستین بار در طی تاریخ، هرات را دارالسلطنه خود قرار دادند (ر.ک: سیفی‌هروی، ۱۳۸۵) و سپس شاهرخ تیموری و جانشینانش با مرکز قرار دادن این شهر به آن جایگاه سیاسی ممتازی بخشیدند (جوزجانی، ۱۳۶۳: ۲/۱۲۹؛ اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲/۳۹-۳۶). با روی کار آمدن دولت صفویه، همچنان برای حکمرانان صفوی اهمیت سیاسی خود را به دلیل حمله مداوم ازبکان به خراسان حفظ کرد (۱۲۱-۱۲۰ :Burton,۱۹۸۸).

شهر هرات باوجود یورش‌های متعدد ازبکان و استیلای موقّتشان بر هرات، هم چنان پایگاه سیاسی بزرگ حکومت صفویه در شرق ایران بود و تا روی کار آمدن شاه‌عباس اول محل استقرار ولیعهد و به دارالسلطنه هرات معروف بود

(قزوینی، ۱۳۸٦: ۲۸۴-۲۸۷؛ یادگار، ۱۳۹۰: ۳۰۳). بنابراین هرات تا پایان روزگار صفویه در تحت استیلای قدرت ایرانیان قرار داشت (متولی حقیقی، ۱۳۸۳: ۸۹ و ۸۳)

با سقوط صفویه و ظهور حکومت افشاریه، شهر هرات همچنان در روزگار فرمانروایی نادرشاه و دولت افشاریه حائز اهمیت بود و در ردیف شهرهای مهم خراسان قرار داشت (انورنیر، ۱۳۴۴: ۲۸۷) نادر در ایام فرمانروایی جهت برقراری امنیت در خراسان و هرات که با شورش افغان‌ها و ترکمانان خیوه و بخارا ناامن شده بود به این مناطق لشکرکشی کرد و به سرکوبشان پرداخت. در دوره شاهرخ افشار که در مشهد متمرکز بود افغان‌ها از استقلال بیشتری برخوردار شدند (مستوفی، ۱۳۸٦: ۳۱/۱). نادرشاه همواره سعی می‌کرد آن را از وجود یاغیان پاک و در سیطره خود داشته باشد. او حتی در زمان طهماسب دوم صفوی توانسته بود به دنبال عصیان افغانان ابدالی، هرات و مرو را به زیر فرمان خود دربیاورند (شیبانی، ۱۳۵۳: ۷۷). اهمیت هرات برای نادر تا آن حد بود که وی نوه نه ساله خود را به حکومت هرات منصوب کرد (سردادور، ۱۳۵۴: ٦۸٦-٦۸۴) بااین‌حال، در اواخر دوره افشاریه دیگر هرات از مرکزیت و اهمیت سیاسی گذشته در خراسان برخوردار نبود و جای آن را مشهد گرفت (مستوفی، ۱۳۸٦: ۳۲/۱؛ اعتمادالسلطنه، ۲۵۳۵: ۱-۱۳/۳؛ اتحادیه، ۲۵۳۵: ۷۹). درواقع پس از نادرشاه و در زمان سردار نادرشاه یعنی احمدشاه درانی که بر قندهار و مناطق هرات مسلط شد، هرات محل استقرار ولیعهد او گردید (حسینی‌جامی، ۱۳۸۴: ٦۷٦-٦۷۷).

با روی کار آمدن دولت قاجاریه که مقارن با رقابت‌های گسترده دولت‌های استعماری فرانسه، انگلستان و روسیه با یکدیگر بود؛ هرات دارای اهمیت سیاسی روزافزونی و متأثر از سیاست‌های بین‌المللی گردید؛ چراکه در این دوره هرات به‌مثابه «کلید فتح هندوستان» محسوب می‌شد (دوگوبینو و دوتوکویل، بی‌تا: ۴٦؛ محمود، بی‌تا: ۱۴۷۹/۴) و به خاطر هند مستعمره پربها و ارزشمند انگلستان که به «گاو شیرده» ملقب بود (ستاری، ۱۳۷۷: ۹۹-۱۰۰)، اهمیت فوق‌العاده پیدا کرد؛ ازیک‌طرف دولت‌های روسیه و فرانسه به دنبال آن بودند تا با تهدید هندوستان از طریق هرات به موقعیت اقتصادی دولت انگلیس لطمه وارد کنند و در عرصه رقابت‌های گسترده استعماری بر آن سبقت بگیرند و از طرفی، دولت انگلستان در نظر داشت تا به هر وسیله ممکن از رسیدن روسیه و فرانسه به هندوستان جلوگیری کند. بنابراین شهر هرات به‌طور خاص، اهمیت دفاعی و سیاسی ویژه پیدا کرد (آدمیت، ۱۳۸۵: ٦۱٦-٦۱۲) و استراتژی دولت انگلیس حکم می‌کرد به هر قیمتی که شده هرات باید از خراسان جدا شود. به‌این‌ترتیب مسئله هرات در نظر حاکمان ایران و سیاستمداران بریتانیا در دوره قاجار در کانون توجه قرار گرفت، زیرا هر دولتی که می‌خواست هندوستان را در اختیار داشته باشد، لزوماً می‌بایست هرات را نیز در تصرف خود می‌داشت، درواقع هرگاه حکومت هرات با هندوستان باشد حمله به هند غیرممکن خواهد بود (محمود، بی‌تا: ٦/۴-۱۴۷۵) در سند شماره ۳ که فرستنده آن الکساندر بورنس انگلیسی و گیرنده آن دولت انگلستان است به اهمیت استراتژیک هرات برای دولت انگلستان اشاره شده است (سند شماره ۳). بنابراین اهمیت سیاسی و مواصلاتی فوق‌العاده هرات در عصر قاجار سبب گردید این ولایت مهم و باارزش در عصر ناصرالدین‌شاه و بر پایه قرارداد صلح پاریس و باوجود کوشش‌های بی‌نتیجه حاکمان قاجاری برای همیشه از واحد سیاسی ایران جدا شود (اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۵: ۴۷۸-۴۹۸؛ مستوفی، ۱۳۸٦: ۴۷۸/۱-۴۹۷).


اداره انتشار اسناد

سند شماره ۳، (صفایی: بی‌تا)

تأثیر جدایی هرات بر مرزبندی جنوب خراسان

داوری ژنرال مکلین و مرز هشتادان

در پی جداسازی هرات از ایران در سال ۱۲۷۳ق/۱۸۵۷م و اشغال آن در سال ۱۲۸۰ق/ ۱۸۶۳م به دست امیر دوست‌محمدخان که تقسیم خراسان را نهایی می‌ساخت، مرز میان خراسان و پادشاهی افغانستان در باختر، هرات، غوریان و فراه قرار داده شد. این مرز ۳۲۷ مایل طول دارد که طول هریرود به‌عنوان شمالی‌ترین نقطهٔ مرز ایران و افغانستان نیز به آن افزوده می‌شود. اگرچه هرات تصرف‌شده بود ولی مرزهای ایالت خراسان و ایالت هرات افغانستان تعیین نشده باقی

ماند. این مسئله سبب درگیری‌ها و کشمکش‌های مرزی بین دو طرف شد. دولت ایران در دسامبر ۱۲۹۵ق/ ۱۸۷۸م به اطلاع وزیرمختار بریتانیا در تهران رساند که امیر افغان نیروهایی را برای حمله به سیستان گردآوری کرده است. ایران بر اساس بند ششم پیمان ۱۲۷۳ ق/ ۱۸۵۷م پاریس خواستار مداخلهٔ دولت بریتانیا شد. فرماندار کل هند اظهار بی‌اطلاعی نمود. با بی‌توجهی مقامات حکومت هند به نگرانی‌های دولت ایران، اختلافات سیاسی و نیز حملات محلی در نواحی مرزی هشتادان و قائنات افزایش یافت و لزوم داوری و تعیین حدود مرز، ضرورت یافت (مجتهدزاده الف، ۱۳۷۸: ۳۱۱-۳۱۰).

دشت هشتادان، بخش خاوری و بزرگ‌ترین قطعهٔ منطقه‌ای را شکل می‌دهد که بخش شمال باختری آن ناحیه ایرانی باخرز است. در دورهٔ داوری سال‌های ۱۲۹۷ق / ۱۸۸۰م، کرات، فرزنه، رائونه و گرمه، جزو زیرمجموعه‌ای بودند که «ولایت پرین» یا باخرز جنوبی را تشکیل می‌داد. بر اساس یادداشت ذی‌القعده ۱۳۰۸ق/ ۱۸۹۱م، ژنرال مکلین، دره هشتادان از شمال به تپه‌های سنجری محدود بود که افغانان آن را کوه دربند می‌خواندند و در جنوب به کوه گدایانه و در خاور به رشته‌های سنگ دختر و یال خرو در باختر به آب‌پخشان (خط‌الرأس‌های تقسیم‌کننده آب) میان قنات‌های هشتادان و جریان‌هایی به سمت سرزمین ایران منتهی می‌گردید. درهٔ هشتادان حدود ۲۴ مایل طول دارد و بزرگ‌ترین عرض آن از دهانهٔ شورآب به یال کوه گدایانه حدود ۱۶ مایل است (مجتهدزاده ب، ۱۳۷۸: ۳۱۳-۳۱۱).

در جمادی‌الثانی ۱۳۰۲ق/ آوریل ۱۸۸۵م، والی خراسان تصمیم گرفت که تعدادی از قنات‌های دشت هشتادان را بازسازی کند که با مداخله افغانان و تخریب دستگاه‌های آنان کار متوقف ماند؛ بنابراین ایران و افغانستان مقابل هم قرار گرفتند و ایران و نیز افغانستان از بریتانیا خواستند که در مسئله مداخله کند. حکومت هند بریتانیا در سال ۱۳۰۳ق/ ۱۸۸۶م تصمیم گرفت، ژنرال مکلین سرکنسول بریتانیا در مشهد را مأمور حکمیت میان ایران و افغانستان در کشمکش دشت هشتادان نماید. کارهای رسیدگی مقدماتی به دلایل متفاوت به تأخیر افتاد. ژنرال مکلین مأموریت خود را در رجب ۱۳۰۵ق/ آوریل ۱۸۸۸م در دشت هشتادان آغاز کرد. نمایندهٔ ایران در کمسیون داوری، میرزا محبعلی خان نظام-الملک و ریاست گروه افغانی با سرتیپ قطب‌الدین بود. ژنرال مکلین[1] پیش از رفتن به‌سوی هشتادان از نمایندگان ایران و افغان خواست تا ادعاها و درخواست‌های خود را به‌صورت نوشته تسلیم وی کنند. افغانان در دعاوی اولیه خود خواستار شدند که رسیدگی به اراضی کلوخ، پرده و هشتادان محدود گردد؛ ولی در دیدار کمسیون حکمیت در شعبان ۱۳۰۵ق/ آوریل ۱۸۸۸م که نمایندهٔ ایران مدعی سراسر دره هشتادان زمین‌هایی تا سنگ دختر گردید نمایندهٔ افغان بی‌درنگ نظر خود را تغییر داد و مدعی فرزنه و گرماب و نواحی دیگری گردید که کاملاً در درون سرزمین‌های ایران بود و در مورد آن‌ها هیچ سخنی مطرح نبود. برای ادعاهای خود نمایندهٔ ایران یازده سند و نمایندهٔ افغانستان ده سند به‌عنوان شواهد ادعای خود به‌صورت کتبی تسلیم ژنرال مکلین کردند (رمضانی، ۱۳۸۲: ۹۸-۹۴).

مکلین در رمضان ۱۳۰۶ق/ ژوئیه ۱۸۸۹م در لندن با ناصرالدین‌شاه دیدار کرد و شاه قاجار هم تصمیم گرفت که تمام دشت هشتادان با همهٔ قنات‌های آن و دیگر منابع آب و زمین‌های کشاورزی را و هر آنچه از مردم در آن منطقه است واگذار نماید. درنتیجهٔ این بخشش شاهانه و درک ناشدنی، جز تپه‌های بی‌حاصل هشتادان، سراسر منطقهٔ هشتادان به افغانان داده شد. به‌علاوه شاه قاجار، به‌منظور پوشیده ماندن این بخشش توجیه ناشدنی از چشم ملت ایران، درخواست کرد که در نقشه‌های جدید کلمهٔ هشتادان در سوی ایرانی خط مرزی نمایش داده شود (مجتهدزاده ب، ۱۳۷۸: ۷۷-۷۲). اقدام ناصرالدین‌شاه در واگذاری دشت هشتادان به افغانان، واکنش‌هایی بین‌المللی را، به‌ویژه از سوی روسیه و فرانسه، برانگیخت. برای مثال، روس‌ها مدعی شدند حال که سرزمین‌های ایران به تاراج می‌رود، هشتادان باید به آنان داده شود. کاردار روسیه در تهران در پیامی برای امین السلطان صدراعظم، یادآور شد که با توجه به شرایط، هشتادان در حقیقت به انگلیسی‌ها داده‌شده است.

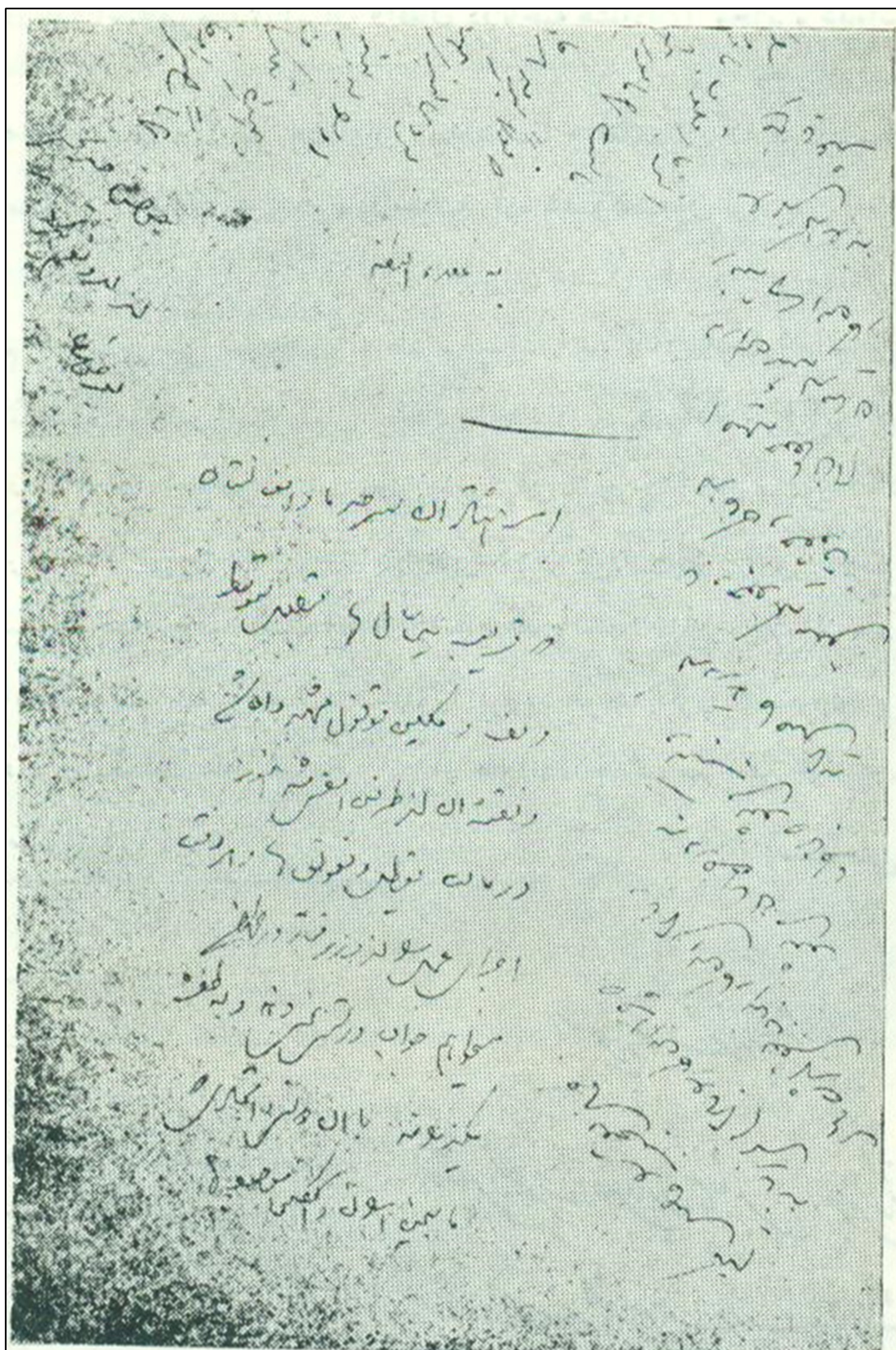
1.Maclean

فرانسویان نیز به‌طور مشابه خواستند که جزیرهٔ خارک به آنان واگذار شود (همان: ۷۷-۷۲).

درهرحال، با توجه به بخشش شاهانه ناصرالدین‌شاه، مکلین توانست ۱۰۳ مایل مرز ایران و افغانستان در خراسان را تحدید حدود کند. وی مرز را از دشت هشتادان حدود ۶۰ مایلی باختر شهر هرات به گذرگاه ذوالفقار در محل برخورد مرزهای ایران- افغانستان- روسیه بررسی و ترسیم نمود. خط ترسیمی مکلین ۳۹ نقطه گردش دارد که به‌جز تپهٔ هشتادان بقیه دشت هشتادان را در داخل خاک افغانستان نشان می‌دهد. اجتماع مأمورین در سر حد باخرز متجاوز از پنج ماه طول کشید تا در اواخر ۱۳۰۵ق/ ۱۸۸۸م، تعیین حدود و ستون سرحدی خواف و باخرز از طرفین به عمل آمد. بدین قرار که قنوات عمدهٔ هشتادان در تصرف ایران باقی‌مانده و یازده رشته قنات بایره و غیره به ضبط افغان‌ها درآمد و نقطهٔ ایوبی نیز در دست ایرانیان باقی‌مانده، بروج را همه ساخته رو به نمکسار بین خواف و غوریان پیش رفتند با نقطه که او را تیغه خر می‌گویند و چشمه زنگل آب نیز در نزدیکی آن است با کنار نمکسار علامت را روی آن تیغه گذاشتند که سمت غربی آن ملک ایران است و از طرف شرقی آن جزو افغانستان می‌باشد. قرارنامه به همین مضمون تعیین و با فصول چندی نوشته و رد و بدل نمودند و از طرف دولت ایران علیخان نصرت‌الملک حکمران ایل تیموری مأمور آبادی هشتادان شد و قلعه در آن نقطه ساخت. آن را تلخ پرده موسوم نمود و میرمحمدخان صدیق‌خان پسر منصورخان خوافی نیز به آبادی مزارع موسی‌آباد و خوش آبه سر حد خواف اقدام نمود و مأمورین دولتی در اواخر این سال هرکدام به مقصد خود مراجعت کردند (رمضانی، ۱۳۸۲: ۹۸-۹۴؛ مجتهدزاده ب، ۱۳۷۸: ۳۱۸).

نایب‌السلطنه هند راه پیشنهادی مسئله مرز هشتادان را در سال ۱۳۰۷ق/ ۱۸۹۰م به اطلاع دولت‌های ایران و افغانستان می‌رساند. با موافقت امیرخان و البته موافقت قبلی ناصرالدین‌شاه، ژنرال مکلین بی‌درنگ مأمور نشانه-گذاری مرز هشتادان گردید. وی در شوال ۱۳۰۸ق/ ژوئیه ۱۸۹۱م به کار خود پایان داد و نسخه‌ای از خلاصهٔ کار را به همراه نقشه خط مرزی را تسلیم حکومت هند نمود. نایب‌السلطنهٔ هند نیز نسخه‌ای از گزارش مکلین را برای امیر افغان فرستاد که وی با سرور فراوان پذیرفت (رمضانی، ۱۳۸۲: ۹۸-۹۴). اما نکته‌ای که باید خاطرنشان کرد این است که آنچه در هشتادان اتفاق افتاد به‌سادگی چیزی جز واگذاری ناعادلانهٔ سرزمین‌های ایران به افغانستان نبود. نه‌تنها روسیه و فرانسه به آن حقیقت آگاه بودند، بلکه خود ژنرال مکلین نیز آشکارا در یکی از یادداشت‌های خود به آن اعتراف کرده است: «باید خاطرنشان کرد که افغانان هیچ مدرکی ارائه نکردند که نشان دهد آنان پیش یا پس از دورهٔ احمدشاه درّانی هشتادان را واقعاً در اشغال داشته‌اند. برگه‌های بایگانی درآمد مالیاتی هرات هیچ اشاره‌ای به تاریخ آن‌ها نداشت و از این‌رو، حتی اگر هم برگه‌ها واقعی باشد، هیچ اشاره‌ای بر این نیست که کلوخ پرده‌ای در کدام دوره به هرات مالیات پرداخته است» (مجتهدزاده، ۱۳۷۸: ۷۷-۷۲).

به هر ترتیب، باآنکه به سه یا چهار حکمیت از سوی ایران و افغانستان برای رفع اختلافات و مشکلات مرزی رضایت داده شد؛ اما به دلایل متعدد سیاسی که ریشه در سلطه‌گری و استعمار انگلستان داشت، آرامش کامل مرزی پدید نیامد. همواره تعدادی از خوانین و سردارهای منطقه که وابستگی‌هایی هم داشتند، با تحریک از سوی خارجیان، آشوب‌هایی برپا می‌داشتند که در تعیین حد و حدود مرزی اثراتی باقی می‌گذاشت. همچنین خشکسالی و فرسایش‌های زمین و رودخانه‌های محلی را باید بر عوامل نابسامانی در منطقه افزود (تکمیل همایون، ۱۳۸۰: ۵۸) و عطف به این شرایط است که باید خاطرنشان کرد که مشکلات مرز ایران و افغانستان در خراسان به‌صورت کامل حل نشد و قسمتی دیگر از آن در دورهٔ پهلوی علامت‌گذاری شد. در دو سندی که در کتاب اسناد سیاسی دوران قاجاریه به کوشش ابراهیم صفایی منتشرشده به اختلاف مرزی ایران و افغانستان در ناحیه هشتادان در عصر ناصرالدین‌شاه اشاره‌شده است (سندهای شماره ۵-۴).



سند شماره ۴، (صفایی: بی‌تا)

سند شماره ۵، (صفایی: بی‌تا)

تاخت و تاز ترکمن‌ها به خراسان و ایجاد ناامنی

هرات به‌جز دروازهٔ هندوستان و نیز راه ارتباطی آسیای میانه از جهت دیگری نیز برای خراسان اهمیت داشت و آن نقش این شهر در حفظ امنیت خراسان بود. با سکونت ترکمانان در نزدیکی مرو و واحه‌های اطراف آن، این افراد هر از چندگاهی برای غارت به نواحی مختلف خراسان حمله می‌کردند ولی با جدایی هرات از ایران، لشکریان ایران نمی‌توانستند از این راه استفاده کنند و این در حالی بود که حملات ترکمانان به نواحی خراسان با آگاهی از این وضعیت روزبه‌روز، افزایش می‌یافت. به این مطلب ایستویک[2] مأمور سیاسی انگلیس از زبان حسام‌السلطنه والی خراسان اشاره‌کرده است که ما برای حفظ مرو باید هرات را داشته باشیم و آن نیز در اختیار حاکم ایران باشد. به دلیل اینکه راه اصلی و مستقیم به مرو بیابانی است غیرقابل‌عبور و مرور، به دلیل وجود گذرگاه‌های زیاد در نزدیکی هرات، همچنین ازآنجایی‌که محل عبور ترکمنان بوده و چون ازآنجا به خراسان دست به چپاول و غارت می‌زدند، درصورتی‌که هرات در دست ایران و حاکم ایرانی باشد هنگام عبور دسته‌های ترکمن غارتگر آن را به حاکم ایران اطلاع داده و آن‌ها نیز به مردم ساکن در روستاها خبر داده تا آن‌ها از روستای خود در برابر این غارتگران دفاع کنند و برای همین مسائل است که دولت ایران برای حفظ هرات به این سرزمین لشکرکشی نموده است و می‌خواهد با هرات روابط معنوی و یگانگی داشته باشد و این روابط معنوی با هرات برای حفظ امنیت خراسان لازم است (رمضانی، ۱۳۸۲: ۶۹-۶۸ به نقل از ایستویک).

بنابراین، از اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه خطر ترکمنان، بلای بزرگی برای ایران محسوب می‌شد. مخصوصاً ترکمن‌های تکه که ایالت خراسان دمی از تهاجم آنان آسوده نبود. منابع این دوره گزارش‌هایی از تهاجمات مکرر ترکمنان به خواف و محنت‌های مردم ناشی از این رویدادهای بغرنج را به ثبت رسانده‌اند. در سال ۱۲۷۳ق / ۱۸۵۷م نیز سپاه ترکمنان در حدود خواف و کاریز با کاروانی تجاری درگیر شد حدود دو سه هزار شتر و قاطر با محموله آن‌ها را به حیطه تصرف خود درآورد. در این تهاجم، سپاهیان خوافی جمع کثیری از ترکمانان را مقتول نمودند ولی چون سرب و باروت تفنگچیان به اتمام رسید از آنان شکست خوردند (خورموجی، ۱۳۶۳: ۱۹۲؛ بلنداختر، ۱۳۹۶: ۱۳۲). دامنهٔ تاخت و تازهای ترکمن‌ها حتی به گناباد و قائنات در جنوب خراسان نیز رسیده بود. نمونه آن هجوم ترکمن‌ها به این نواحی در سال ۱۲۸۲ق/ ۱۸۶۵م است (رمضانی، ۱۳۸۲: ۷۹-۷۵). آن‌ها هم‌چنین از سرخس به سرکردگی محمد شیخ ترکمن راه افتادند و با ۳۰۰۰ نفر به خواف و باخرز هم حمله کردند و در این زد و خوردها نیز عدهٔ زیادی از مردم را به اسارت گرفتند (سپهر، ۱۳۷۷: ۱۳۴۸/۳-۱۳۴۷؛ خسروی، ۱۳۶۶: ۹۸).

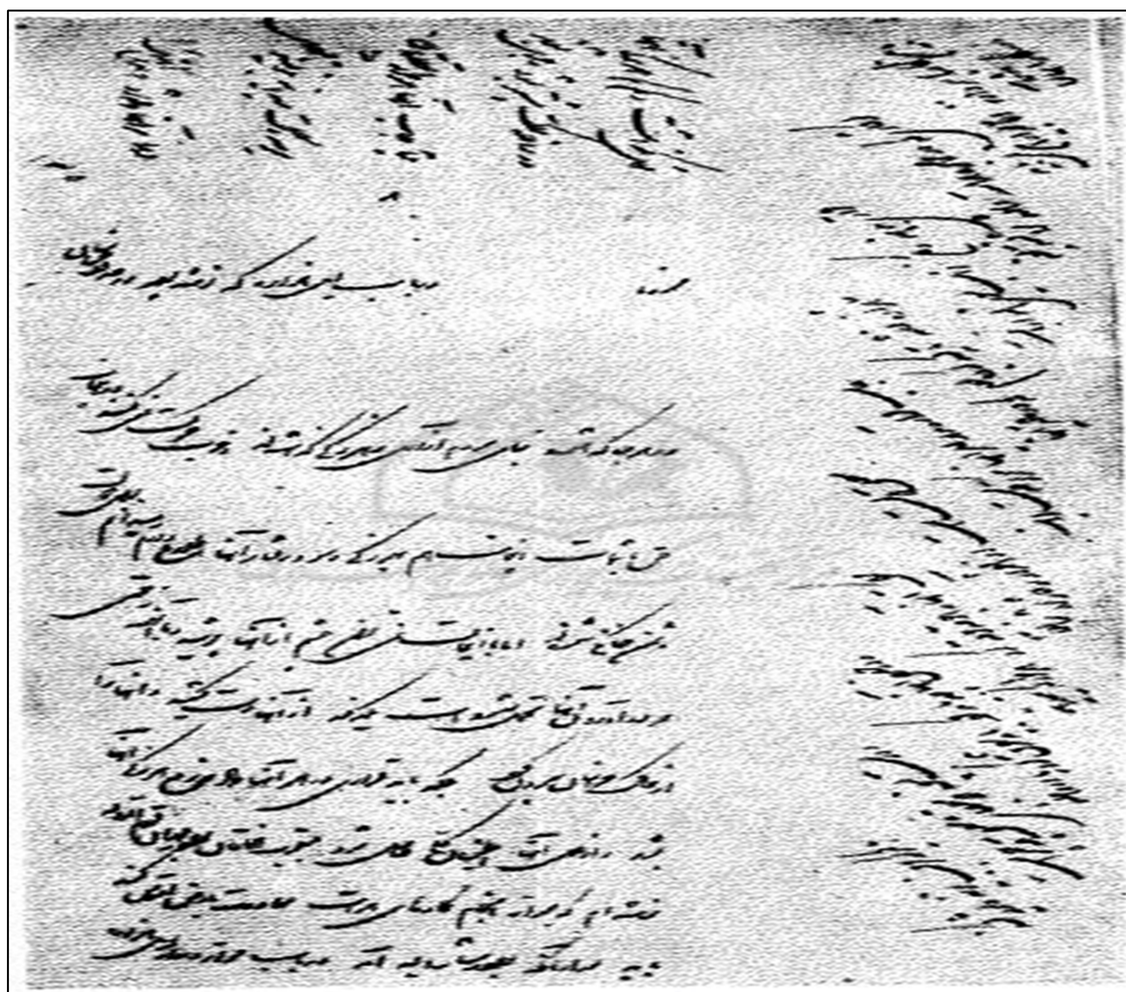
مقایسه منابع تاریخی مانند حقایق الاخبار ناصری نشان می‌دهد در سال‌های پس از انعقاد عهدنامه پاریس در هفتم رجب سال ۱۲۷۳ق / ۱۸۵۷م میزان حملات ترکمن‌ها به خراسان چندین برابر شده است (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۹۱) و جنگ‌های سنگینی در خراسان با ترکمن‌ها به وقوع پیوست که پیامدهای تخریبی زیادی در پی داشت. عده زیادی از بین رفتند و خسارات بیشماری پدید آمد. حدود دو ماه پس از انعقاد عهدنامه پاریس از جانب ترکمن‌ها هجوم‌هایی به خراسان صورت گرفت. به گزارش خورموجی «در سال ۱۲۷۳ق /۱۸۵۷م ترکمانان با جمعیتی بی‌پایان به سرجام و بیوه ژن تاخته محالات نیشابور را وجه همت ساخته و با غنیمتی تمام و اسیر و کسیبی مالاکلام روز چهاردهم صیام وارد منزل کارفش شده و شب پانزدهم عازم میامی گردیدند» (خورموجی، ۱۳۶۳: ۲۳۰). در این راستا، منابع دوره قاجار خصوصاً سفرنامه‌ها تهاجم و حملات ترکمن‌ها به نواحی مختلف خراسان و نیز غارت اموال کاروانیان را به‌خوبی گزارش کرده‌اند (فریزر، ۱۳۶۴: ۱۲۹؛ مک‌گرگر، ۱۳۶۸: ۳۴-۳۱، ۱۵؛ اعتصام‌الملک، ۱۳۵۱: ۳۲۰). همچنین بر پایه گزارش اسناد در سال ۱۲۷۳ ق /۱۸۵۷ م ایل هزاره نیز در حدود خراسان بنای مردم‌آزاری و هرزگی گذاشته بودند (سند شماره ۶).

2.Edward Bakhonse Estwick

ایستویک شرح مأموریت سه ساله‌اش در ایران از سوی دولت انگلستان بین سال‌های ۱۸۶۰- ۱۸۶۳م با عنوان

Journal of Diplomote,s tree year residence in persia

«روزنامه سه ساله اقامت یک مأمور سیاسی در ایران» نوشته است. اهمیت این سفرنامه در این است که نگارنده برای مسئله هرات در این سه سال به خراسان سفر داشته است (حسن‌آبادی، ۱۳۸۲: ۹۷-۹۳).



سند شماره ٦، (افشار، ۱۳۴۹)

به‌این‌ترتیب ایالت خراسان از شمال تا جنوب تا قاین و بیرجند میدان یورش ایالات تکه و ساریق و سالور بود. روستاها و کاروان‌های مسافرین غارت می‌شد و روستائیان و مسافرین اسیر گرفته می‌شدند و در بازارهای برده‌فروشی خیوه و بخارا و مرو به فروش می‌رسیدند. اما پرسشی که در اینجا مطرح هست این است که چه عواملی موجب افزایش جسارت ترکمن‌ها به حملات علیه خراسان شده بود؟ در پاسخ می‌توان به سه عامل مشخص اشاره کرد. نخست جدایی هرات و استقلال خراسان طبق معاهدۀ پاریس در سال ۱۲۷۳ ق/ ۱۸۵۷م، دیگر لشکرکشی ناموفق به مرو در سال ۱۲۷۶ق/ ۱۸۶۰م و سوم تحریکات روس‌ها که پس از جدایی هرات می‌خواستند بر آسیای مرکزی و میانه دست‌اندازی کنند و به نظر می‌رسد انگلیسی‌ها هم چون پنهانی با روس‌ها در مورد آسیای مرکزی و میانه به توافق رسیده بودند دست ترکمانان را باز می‌گذاشتند تا آنان از ناحیه هرات به خراسان حمله نمایند تا دولت قاجار ناچار به قبول معاهده‌ای گردد که بعداً معاهده آخال نام گرفت. جدایی هرات همان‌گونه که حسام‌السلطنه گفته بود، راه مرو را از کنترل ایران خارج کرده بود؛ بنابراین لشکریان ایران برای رسیدن به مرو و مقابله با ترکمانان با مشکلات فراوانی روبه‌رو بودند و نیز این قبایل از خاک افغانستان برای یورش به نواحی مرکزی و جنوبی خراسان استفاده می‌کردند. حملات ترکمن‌ها امنیت راه تجاری خراسان به هرات را هم به خطر انداخته بود (رمضانی، ۱۳۸۲: ۷۹-۷۵). لیدی شیل در خاطرات خود، در همین راستا می‌نویسد: «ترکمن‌ها به کاروان‌های تجار حمله کرده‌اند و آن‌ها را به اسارت می‌گرفته و درواقع یک ناامنی بزرگی را ایجاد کرده بودند» (شیل، ۱۳٦۸: ۱٦۹). بعدها با بسته شدن قرارداد آخال ۱۲۹۹ق/ ۱۸۸۱م، دولت روسیه متعهد شد از تجاوز قبایل ترکمن به خاک ایران جلوگیری و امنیت

مرزهای شمالی کشور را تأمین نماید (هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۸۶: ۲۸۳).

از دیگر اثرات تلخ جدایی هرات بر منطقه خراسان در عصر قاجار تاخت و تازهای پی‌درپی ترکمن‌ها به این نواحی بود که در حد قابل‌توجهی، امنیت خراسان را سلب کرده بودند که اشارهٔ مورخین و محققین به هجوم آن‌ها به خراسان، به این امر اشاره دارد. در همین راستا نگارندهٔ کتاب «خراسان و حکمرانان» به نقل از «ایستویک»، کاردار سفارت انگلیس در تهران که در سال ۱۲۷۹ق/ ۱۸۶۲م به خراسان گام نهاده است، دربارهٔ تزلزل و آشفتگی‌های خراسان در این زمان می‌نویسد: «حالت عادی در خراسان جز جنگ چیزی نیست، همه هفته خبر غارتگری، راهزنی و شورش‌های کوچک به دست می‌رسد و پنج یا ده یا بیست تن راهزن را می‌کشند ...» (افشارآرا، ۱۳۸۰: ۵۳۷-۵۳۶). همچنین گفته می‌شود که حملات ترکمن‌ها به خراسان تا اواخر اردیبهشت ۱۳۰۵ همچنان ادامه داشته است (همتی، ۱۳۹۰: ۴۶).

تأثیر انعقاد معاهدهٔ صلح پاریس بر انعقاد معاهدهٔ آخال

دولت روسیه پس از شکست در جنگ کریمه به‌درستی متوجه شد که دول اروپایی اجازه نخواهند داد که دیگر آن کشور دامنهٔ متصرفات خود را در بالکان و قارهٔ اروپا توسعه دهد. بنابراین توجه خود را به تصرف ترکستان و آسیای مرکزی و پیشرفت به‌سوی شرق معطوف نمود. تا روزگار فتحعلی شاه، خوانین مرو و بخارا و سایر نواحی ترکستان از دولت ایران اطاعت می‌کردند و حاکمان ایران نیز فرمان‌هایی به نام آنان صادر می‌کردند و ایران نسبت به آنان حاکمیت صوری داشت. ولی پس از شکست‌های ایران از روسیه و ضعفی که عارض دولت ایران شد، خوانین مزبور دیگر اعتنایی به حکومت تهران نداشته و خود را مستقل می‌دانستند. به‌طوری‌که در ۱۲۶۵ق/ ۱۸۴۹م محمدخان امیر خوارزم سفیری به نام آتا نیاز محمد، برای تبریک جلوس ناصرالدین‌شاه به تهران فرستاد و دولت ایران نیز رضا قلیخان هدایت را به‌عنوان سفیری فوق‌العاده به خوارزم اعزام نمود (هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۸۶: ۲۸۷-۲۸۳).

جنگ دوم هرات و معاهدهٔ پاریس و گرفتاری‌هایی که متعاقب آن گریبانگیر ایران شد موجب گردید که باز هم از نفوذ ایرانیان در ترکستان و ماوراءالنهر کاسته شود. دولت روسیه از این امر نهایت استفاده را نمود و چون میدان را خالی از رقیب دید، از گرفتاری انگلستان در شورش هند استفاده نموده شروع به تحریک ترکمن‌ها علیه دولت ایران و فرستادن هیئت‌های نظامی به آن نواحی کرد. در فاصله بین سال‌های ۱۲۸۲ق/ ۱۸۶۶م تا، قوای روسی تحت فرماندهی ژنرال کافمن[3] و ژنرال آبراموف[4] قسمت اعظم ناحیهٔ سمرقند و تاشکند و بخارا را متصرف گردیدند و تا سال ۱۲۸۹ق/ ۱۸۷۳م کلیهٔ نقاط مزبور به انضمام بقیهٔ سرزمین بخارا و خیوه به دست روس‌ها افتاد. دولت ایران در مقابل این تجاوزات هیچ‌گونه اعتراضی و حتی اظهار عدم رضایتی نکرد. بلکه زمامداران وقت از اینکه روس‌ها خواهند توانست پس از سلطه بر این نواحی نظم و آرامش را برقرار و از حملات ازبک‌ها و ترکمن‌ها به سرحدات خراسان جلوگیری نمایند، قلباً خوشوقت هم شدند. در همین راستا، در محرم ۱۲۹۸ق/ ژانویهٔ ۱۸۸۱م وقتی ناصرالدین‌شاه خبر تصرف گوگ‌تپه را به‌وسیله قوای ژنرال اسکوبلف[5] روسی شنید، از اینکه امنیت مرزهای شمالی ایران تأمین‌شده و دیگر خطر هجوم ترکمن‌ها ایران را تهدید نمی‌کند اظهار خوشوقتی کرد و چند ماه بعد، یعنی در ۱۲۹۹ق/ ۲۱ سپتامبر ۱۸۸۱م، به‌موجب پیمان سرحدی آخال که بین میرزا سعیدخان مؤتمن‌الملک وزیر امور خارجه و ایوان زینوویف[6] وزیرمختار روسیه در تهران به امضا رسید، از کلیهٔ دعاوی خود نسبت به ترکستان و ماوراءالنهر صرف‌نظر نمود و رود اترک به‌عنوان مرز بین دو کشور شناخته شد. در مقابل دولت روسیه متعهد شد از تجاوز قبایل ترکمن به خاک ایران جلوگیری و امنیت مرزهای شمالی کشور را تأمین نماید (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۶: ۲۸۷-۲۸۳).

تأثیر انعقاد عهدنامه پاریس بر انعقاد عهدنامه آخال

در پیوند با مطالب فوق، این پرسش پیش می‌آید که به‌راستی انعقاد عهدنامه پاریس (۱۲۷۳ق /۱۸۵۷م)، چه نقش و

3. Von Kauffman

4. Abramov

5. Skobelev

6. Zinoviev

تأثیری می‌توانست در عقد عهدنامۀ آخال (۱۲۹۹ق /۱۸۸۱م) داشته باشد؟

در پاسخ به این پرسش، پیشتر اشاره شد که جدایی هرات موجب گردید تا امنیت خراسان به‌وسیلۀ هجوم ترکمن‌ها به مخاطره بیفتد. توضیح بیشتر آنکه تا قبل از انتزاع هرات از خراسان، به‌واسطۀ آنکه ترکمن‌ها در نزدیکی مرو و واحه‌های اطراف آن سکونت داشتند، لذا هرگاه نواحی مختلف خراسان مورد تاخت و تاز آن‌ها قرار می‌گرفت، سپاهیان ایران برای سرکوبی آن‌ها از طریق هرات به نواحی فوق لشکرکشی می‌کردند. ولی با جدایی هرات از ایران، لشکریان ایران نمی‌توانستند از این راه استفاده کنند و این در حالی بود که حملات ترکمانان به نواحی خراسان با آگاهی از این وضعیت رو به افزایش بود. در این شرایط دستگاه حاکم نیز که به دلیل ضعف سیاسی قادر به سرکوب آن‌ها نبود، از اینکه روس‌ها توانستند ترکمن‌ها را سرکوب کنند مسرور گشتند و چند سال بعد در اثر انعقاد عهدنامۀ آخال با روس‌ها، ۱۲۹۹ق/ ۱۸۸۱م، از بخش مهم و بزرگی از خراسان چشم‌پوشی کردند. اگرچه جدایی هرات از این منظر بر عقد عهدنامۀ آخال تأثیرگذار بود؛ ولیکن این‌همۀ ماجرا نبود. درواقع باید گفت، علت اصلی‌ای که روس‌ها در ۱۲۹۹ق/ ۱۸۸۱م، توانستند عهدنامۀ آخال را بر ناصرالدین‌شاه تحمیل کنند، این بود که آن‌ها با دولت انگلیس رقابت گسترده‌ای داشتند. با نگاهی به دوران قاجار و مخصوصاً عصر ناصرالدین‌شاه، به سهولت می‌توان فهمید که این دو قدرت همواره درصدد بودند که در گرفتن امتیاز از دیگری عقب نمانند و لذا به دنبال استفادۀ هرچه بیشتر از منابع سرشار و ثروت عظیم ایران بودند (حکیمی، ۱۳۶۷: ۱۵). بنابراین زمانی که انگلیس در اثر معاهدۀ پاریس توانست هرات را از ایران جدا کند، روسیه نیز به تکاپو افتاد. تا اینکه از کانال عهدنامۀ آخال با ایران منتفع گردید. لذا در دورۀ قاجار دیده می‌شود که روسیه و انگلیس، هر یک می‌کوشیدند به‌موازات امتیاز رقیب خود، امتیاز بهتر و مناسب‌تری دست و پا کنند. اگر روسیه امتیازی می‌گرفت، پس از چندی همان امتیاز و یا مشابه آن را در دیگر نقاط ایران انگلستان مطالبه می‌کرد و برعکس (انصاری‌رنانی و کرمانی، ۱۳۸۰: ۴۹۸).

به هر ترتیب، ناصرالدین‌شاه در مقابل امضای معاهدۀ پاریس و از دست دادن قسمتی از مرزهای شرقی ایران به نفع بریتانیا، ناگزیر بود که در برابر همسایۀ زورمند شمالی و رقیب سیاسی و استعماری بریتانیا نیز سر تسلیم فرود آورد (شمیم، ۱۳۷۵: ۲۵۰؛ شیبانی، ۱۳۹۲: ۴۳)؛ و درنتیجه تن به انعقاد عهدنامۀ آخال داد. در حقیقت باید خاطرنشان کرد که رقابت‌های سیاسی-اقتصادی دو کشور روسیه و انگلستان، باعث شد که ایران، پس از بستن هر قرارداد و یا دادن هر امتیازی به یکی از کشورهای نامبرده، به دیگری نیز امتیاز مشابهی بدهد تا بتواند بدین‌وسیله به حیات متزلزل سیاسی خود ادامه دهد (میر احمدی، ۱۳۸۷: ۳۷-۳۶).

با نگاهی به معاهده آخال و سرزمین‌هایی که درنتیجۀ این معاهده از خراسان جدا شد، به سهولت می‌توان دریافت که خراسان به محدودترین حالت ممکن رسید؛ چراکه در اثر این معاهده، مرو و ماوراءالنهر و ترکستان به روسیه واگذار گردید و خراسان از داشتن این سرزمین‌های مهم و باارزش بی‌نصیب شد. آن‌گونه که با از دست رفتن هرات، خراسان از داشتن آن محروم گشت. اما آنچه در اینجا باید به آن توجه کرد، این است که اهمیت مناطقی که خراسان بر اساس این معاهده از آن بی‌نصیب گشت کم‌تر از اهمیت هرات درنتیجۀ معاهده پاریس نبود. به دیگر سخن، هرکدام از شهرها و مناطقی که در این معاهده به روس‌ها واگذار شد، آن‌قدر اهمیت داشت که می‌توانست بعدها فصلی از تحول را در خراسان بگشاید و باعث رونق و ترقی آن گردد. به‌عنوان نمونه، مرو از مهم‌ترین و کهن‌ترین شهرهای خراسان بود و اکنون نیز از زمرۀ مهم‌ترین شهرهای ترکمنستان است. در خصوص اهمیت این منطقه که در اثر این معاهده از خراسان منتزع گردید، همین بس که عده‌ای از مورخین و محققین آن را «امُ القری» خراسان (سیدی، ۱۳۸۶: ۲۵-۲۲) و عده‌ای نیز آن را «کلید خوارزم» نام نهاده‌اند (موحد، ۱۳۷۷: ۷۳-۷۱).

سؤال دیگری که مطرح است آن است که به‌راستی چرا ناصرالدین‌شاه تن به امضاء این قراردادها داد؟ لازم به ذکر است که دولت ناصری از نظر مالی در تنگنا قرار داشت درآمدهای قدیم حاصل از عواید زمین‌ها دیگر کفاف مدیریت دولت را نمی‌داد ناصرالدین‌شاه به دنبال کسب درآمدهای جدید برای اداره امور مملکت بود. ناصرالدین‌شاه برای

گسترش مراودات سیاسی و تجاری با غرب ناچار به پذیرش درخواست‌های آنان گردید و از طرف دیگر مسئله مرزهای شرق ایران از دوره فتحعلیشاه قاجار ناآرام و متزلزل بود و ضرورت داشت به ثبات برسد. بنابراین ناصرالدین‌شاه با دادن امتیازات مزبور به قیمت جدایی بخش وسیعی از سرزمین تاریخی ایران، این پرونده پر مناقشه را بست. در ضمن بایستی به نقش دولتمردان اصلاح‌طلب دوره ناصری نیز اشاره نمود. میرزا حسین‌خان سپهسالار مدت ده سال از (۱۲۹۷-۱۲۸۷ق/ ۱۸۸۰-۱۸۷۰م) صدراعظم ایران بود و علاقمند بود که برای رشد و ترقی ایران با انگلیسی‌ها همکاری کند، لرد کرزن در رابطه با دوستی وی با انگلیس می‌نویسد: «تاکنون کسی نتوانسته است بداند کدام صفت از صفات انگلیسی‌ها در میرزا حسین‌خان تأثیر داشته که به آن اندازه در مقابل انگلیس سر تسلیم فرود آورد (کرزن، ۱۳۵۰: ۱۸۰) وی برای انجام اصلاحات خود در ایران به ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیاز داشت و دریافته بود برای وارد شدن به دوره رفاه و آسایش بایستی از درگیری‌های نظامی در مرزها و سرحدات که با قدرت‌های هم‌جوار وجود داشت جلوگیری به عمل آورد و او تصمیم گرفت به این مسئله خاتمه بخشد و این مسئله صورت پذیرفت و سیستان و بلوچستان تجزیه شدند، اگرچه آنان به پیامدهای اقتصادی این مسئله فکر نکرده بودند اما از نظر سیاسی پس از انعقاد این دو عهدنامه ثبات سیاسی به وجود آمد ولی خراسان به جهت اقتصادی و محروم شدن از تجارت هرات و هند و آسیای مرکزی دچار خسارت‌های مصیبت باری شد و در انزوای اقتصادی قرار گرفت، صدها کاروانسرای موجود در شهرهای مختلف خراسان، رونق و اهمیت خود را از دست دادند و راه‌های تجاری از منطقه برافتاد (جوان‌لاجی و دیگران، ۱۳۹۶: ۹۳-۸۳).

نتیجه‌گیری

با توجه به جایگاه و اهمیت سیاسی ویژه هرات در طول تاریخ ایران، خاصه در دوره قاجار، جدایی آن از خراسان بر پایه قرارداد صلح پاریس، پیامدهای سیاسی فراوانی برای منطقه خراسان به دنبال داشت که حاصل آن، افول سیاسی خراسان بود. در دوره حکومت قاجار، هرات به‌مثابه دروازه ورود به هندوستان در کانون توجه سیاستمداران دولت انگلیس قرار گرفت و ازآنجایی‌که تنها راه نفوذ رقبای انگلستان به هندوستان و ضربه‌زدن به هند به‌عنوان بزرگ‌ترین و ارزشمندترین مستعمره دولت انگلیس، شاهراه هرات محسوب می‌شد، بنابراین جدا کردن آن از خراسان به‌وسیله انگلستان، اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. در این راستا، کوشش‌های بی‌نتیجه رجال قاجار به‌ویژه ناصرالدین‌شاه، راهگشا نبود و هرات برای همیشه از سرزمین ایران جدا شد. بنابراین به همان اندازه که حفظ هرات به‌عنوان یکی از ولایات ارزشمند خراسان برای این منطقه مهم تلقی می‌شد، جدا شدن آن از خراسان نیز به همان نسبت حامل پیامدهای سیاسی ناگوار به شرح ذیل برای این ناحیه بود: ۱. سلب امنیت و آرامش در اکثر ایالت‌های خراسان به‌واسطه تاخت و تاز ترکمانان که به ترکمن‌تازی معروف است که حاصلی جز رنج و مشقت برای مردم این نواحی نداشت. ۲. واگذاری تمام دشت هشتادان با همه قنات‌ها و منابع آب و زمین‌های کشاورزی به افغانان که متأثر از مرزبندی جنوب خراسان، بعد از جدایی هرات بود. ۳. ازآنجایی‌که ناصرالدین‌شاه به خواسته انگلیس مبنی بر جدایی هرات در اثر معاهده پاریس تن داده بود چاره‌ای جز پذیرش خواسته روس‌ها نیز مبنی بر عقد قرارداد آخال و واگذاری سرزمین‌های ارزشمند دیگری که بر اساس آن به روس‌ها داده شد، نداشت. ۴. از نظر سیاسی جدایی هرات باعث یأس و سرخوردگی در بین دولتمردان قاجار گردید، چون خراسان به جهت موقعیت سیاسی خاص و نیز به سبب مجاورت با افغانستان کنونی و ماوراءالنهر، یکی از مناطق مهم در سیاست داخلی و خارجی قاجار بود و آن‌ها همیشه مایل بودند مرزهای خود را به حدود دوره صفویه برسانند و این مسئله نهایت اقتدار سیاسی بود. ۵. از مهم‌ترین نتایج سیاسی جدایی هرات از ایران علاوه بر موارد مذکور شکل‌گیری مرزبندی بین‌المللی جدید در خراسان بود که نواحی مرکزی خراسان قدیم از این به بعد به‌عنوان منطقه مرزی به‌حساب آمدند و با تأسیس هنگ مرزبانی درجه‌یک در منطقه تایبادِ با خرز حیات سیاسی جدیدی را شروع نمود. گمرک دوغارون تایباد دروازه ورود و خروج اتباع دو کشور و ترانزیت و هیئت‌های سیاسی و غیره گردید که تا امروز این کارکرد را در خود حفظ کرده است.

فهرست منابع

۱. اتحادیه، منصوره. (۲۵۳۵). ***گوشه‌هایی از روابط خارجی ایران***. تهران: آگاه.

۲. اسفزاری، معین‌الدین. (۱۳۳۸). ***روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات***. تصحیح سید محمدکاظم امام. ج۲. تهران: دانشگاه تهران.

۳. اعتصام‌الملک، میرزا خانلرخان. (۱۳۵۱). ***سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک***. به کوشش. منوچهر محمودی. تهران: بی‌نا.

۴. اعتضادالسلطنه، علیقلی. (۱۳۹۵)، ***اکسیر التواریخ (تاریخ قاجاریه از آغاز تا ۱۲۵۹)***. به اهتمام جمشید کیان فر. تهران: اساطیر.

۵. اعتمادالسلطنه، محمدحسن. (۱۳۶۷). ***تاریخ منتظم ناصری***. ج۳. تصحیح محمد اسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب.

۶. -اعتمادالسلطنه، محمدحسن. (۱۳۵۷). **خلسه: مشهور به خواب‌نامه**. بی‌جا: بی‌نا.

۷. اعتمادالسلطنه، محمدحسن. (۲۵۳۵). ***مطلع الشمس***. ج۳-۱. بی‌جا: سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی.

۸. افشار، ایرج. (۱۳۴۹). «۶۴ سند درباره وقایع هرات». ***بررسی‌های تاریخی***. (شماره ۲)، ۳۲۰-۲۸۹.

۹. -افشارآرا، محمدرضا. (۱۳۸۰). ***خراسان و حکمرانان***. مشهد: محقق.

۱۰. افضل‌الملک، غلامحسین. (۱۳۶۱). ***افضل التواریخ***. به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان. تهران: تاریخ ایران.

۱۱. انصاری‌رنانی، قاسم و قنبرعلی کرمانی. (۱۳۸۰). ***تجارت در دوره قاجاریه***. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

۱۲. انورنیر، محمد. (۱۳۴۴). «هرات». ***آریانا***. (شماره ۲۵۹). ۲۹۰-۲۸۰.

۱۳. آدمیت، فریدون. (۱۳۸۵). ***امیرکبیر و ایران***. تهران: خوارزمی.

۱۴. بلنداختر، نوراحمد. (۱۳۹۲). «تأثیر جدایی هرات بر شهرستان خواف». **فصیح**. (شماره ۲۷)، ۴-۳.

۱۵. بلنداختر، نوراحمد. (۱۳۹۶). ***روزگار خواف از صفویه به بعد***. قم: وثوق.

۱۶. پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۶۱). ***سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان***. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: خوارزمی.

۱۷. جوان‌لاجی، رحیم و دیگران. (۱۳۹۶). «*تأثیر جدایی هرات بر حیات اقتصادی خراسان*». ***پژوهشنامه خراسان بزرگ*** (شماره ۲۷)، ۹۳-۸۳.

۱۸. جوزجانی، منهاج سراج. (۱۳۶۳). ***طبقات ناصری***. ج۲. تهران: دنیای کتاب.

۱۹. حسن‌آبادی، ابوالفضل. (۱۳۸۳). «روزنامه سه سال اقامت یک مأمور سیاسی در ایران». ***کتاب ماه تاریخ و جغرافیا***. (شماره ۷۸-۷۷)، ۹۳-۹۷.

۲۰. حکیمی، محمود. (۱۳۶۷). ***داستان‌هایی از عصر ناصرالدین‌شاه***. تهران: قلم.

۲۱. خسروی، محمدرضا. (۱۳۶۶). ***جغرافیای تاریخی ولایت زاوه***. مشهد: آستان قدس رضوی.

۲۲. خورموجی، محمدجعفر. (۱۳۶۳). ***حقایق الاخبار ناصری (تاریخ قاجار)***. به کوشش سید حسین خدیو جم. بی‌جا: نی.

۲۳. دوگوبینو، کنت و الکسی دوتوکویل. (بی‌تا). ***نامه‌های کنت دوگوبینو و الکسی دوتوکویل***. بی‌جا: ابن‌سینا.

۲۴. رمضانی، حمیدرضا. (۱۳۸۲). «*خراسان در جنگ جهانی دوم*». ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد***. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

۲۵. ریاضی‌هروی، محمدیوسف. (۱۳۶۹). ***عین الوقایع***. به کوشش محمد آصف فکرت. بی‌جا: بنیاد موقوفات افشار.

۲۶. سایکس، سرپرسی. (۱۳۶۳). ***تاریخ ایران***. ترجمه سید محمدتقی فحرداعی گیلانی. تهران: دنیای کتاب.

۲۷. سپهر، محمدتقی. (۱۳۷۷). ***ناسخ التواریخ***. ج۳. به اهتمام: جمشید کیانفر. تهران: اساطیر.

۲۸. ستاری، اسماعیل. (۱۳۷۷). «*تحولات مرزی جنوب شرقی ایران در قرون اخیر*». ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد***. مشهد: دانشگاه فردوسی.

۲۹. سرابی، حسین بن عبدالله. (۱۳۶۱). ***مخزن الوقایع الوقایع (شرح مأموریت و سفر فرخ خان امیرالدوله)***. به کوشش کریم اصفهانیان و قدرت الله روشنی زعفرانلو. تهران: اساطیر.

۳۰. سردادور، ابوتراب. (۱۳۵۴). ***تاریخ نظامی و سیاسی دوران نادرشاه افشار***. بی‌جا: ستاد بزرگ ارتشاران.

۳۱. سیدی، مهدی. (۱۳۸۶). ***جغرافیای تاریخی مرو***. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی.

۳۲. شمیم، علی‌اصغر. (۱۳۷۵). *ایران در دوره سلطنت قاجار*. بی‌جا: مدبر.

۳۳. شیبانی، اکرم. (۱۳۹۲). *خراسان و نقش استانداران در دوره پهلوی اول*. مشهد: آهنگ قلم.

۳۴. شیل، لیدی. (۱۳٦۸). *خاطرات لیدی شیل همسر وزیرمختار انگلیس در اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه*. تهران: نو.

۳۵. صفایی، ابراهیم. (بی‌تا). *یکصد سند تاریخی دوران قاجاریه*. تهران: بابک.

۳٦. فریزر، جیمز بیلی. (۱۳٦۴). **سفرنامه فریزر (سفر زمستانی)**. مترجم منوچهر امیری. تهران: توس.

۳۷. قزوینی، زکریا ابن محمد ابن محمود. (۱۳٦٦). *آثار البلاد و اخبار العباد*. ترجمه عبدالرحمان شرفکندی، بی‌جا: موسسه علمی اندیشه جوان.

۳۸. قزوینی، یحیی بن عبدالطیف. (۱۳۸٦). **لب التواریخ**. تصحیح میرهاشم محدث. تهران: آثار و مفاخر ملی. سیفی‌هروی، سیف بن یعقوب. (۱۳۸۵). *تاریخنامه هرات*. تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: اساطیر. مستوفی، عبدالله. (۱۳۸٦)، *شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری عصر قاجار)*. ج۱. تهران: هرمس. حسینی‌جامی، محمود. (۱۳۸۴). *تاریخ احمدشاهی*. تصحیح غلامحسین زرگری نژاد. تهران: دانشگاه تهران.

۳۹. کرزن، ن، جرج. (۱۳۵۰). *ایران و قضیه ایران*. ترجمه وحید مازندرانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۴۰. متولی‌حقیقی، یوسف. (۱۳۸۳). *افغانستان و ایران*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

۴۱. مجتهدزاده الف، پیروز. (۱۳۷۸). *امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران*. ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی‌نوری. تهران: شیرازه.

۴۲. مجتهدزاده ب، پیروز. (۱۳۷۸). «*نقش انگلستان در چگونگی شکل‌گیری مرزهای ایران و افغانستان*»، *تاریخ معاصر ایران*. (شماره ۱۲)، ۹۲-۴۳.

۴۳. محمود، محمود. (بی‌تا). *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس*. ج۴-۱. بی‌جا: شرکت نبی اقبال و شرکا.

۴۴. مک گرگر، کلنل سی. ام. (۱۳٦۸). *شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان در سال ۱۸۷۵م*. ج۲. ترجمه اسدالله توکلی طبسی. بی‌جا: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.

۴۵. موحدی، محمد. (۱۳۷۷). «*تحولات مرزی شمال شرق ایران در عصر قاجار*». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. مشهد: دانشگاه فردوسی.

۴٦. میر احمدی، مریم. (۱۳۸۷)، *پژوهشی در تاریخ معاصر ایران (برخورد شرق و غرب در ایران)*. مشهد: آستان قدس.

۴۷. نصیری‌مقدم، محمد نادر. (۱۳۷۴)، *گزیده اسناد سیاسی ایران و افغانستان*. ج۱. تهران: وزارت امور خارجه.

۴۸. وامبری، آرمینیوس. (۱۳۷۴). *سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه*. ترجمه فتحعلی خواجه‌نوریان. تهران: علمی و فرهنگی.

۴۹. همتی، رحمت‌الله. (۱۳۹۰). «*فعالیت حزب توده در خراسان تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ خورشیدی*». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. بجنورد: دانشگاه آزاد اسلامی.

۵۰. هوشنگ‌مهدوی، عبدالرضا. (۱۳۸٦). *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوره صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی*. تهران: امیرکبیر.

۵۱. یادگار، احمد. (۱۳۹۰). *تاریخ شاهی معروف به تاریخ سلاطین افاغنه*. به اهتمام محمد هدایت. تهران: اساطیر.

52. Burton, Audrey. (1988). “The Fall of Herat to the Uzbegs in 1588”. *British Institute of Persian Studies*. (vol 26),119-123.

53. Gammell, C. P. W. (2016). *The Pearl of Khorasan: A History of Herat*. London: Hurst.

54. Gustafson, James. (2013). “Qajar Ambitions in the Great Game”. *Iranian Studies*. (vol 46), 535-552.

55. Henty, George Alfred. (2002). *To Herat and Cabul: a story of the first Afghan War*. Preston: Speed Publications.

56. Kuhzad, Ahmad Ali. (1957). *Men and events: through* 18*th and* 19*th century (Afghanistan)*. Kabul: Unknown.

57. Tate, George Passman. (1911). *The Kingdom of Afghanistan: A Historical Sketch*. Bombay, Calcutta: Times of India offices.

58. Volodarsky, Mikhail. (1985). “Persia's Foreign Policy between the Two Herat Crises”. *Middle Eastern Studies*. (vol 21), 111-151.